

سوگنامه نارك

اثر گريگور ناركاتسى

ترجمه

آزاد ماقیان

ویراستار: گومانیک

سوگنامه نارك

اثر

گريگور ناركاتسى

آزاد ماتيان

ترجمه

۱. گرمانيك

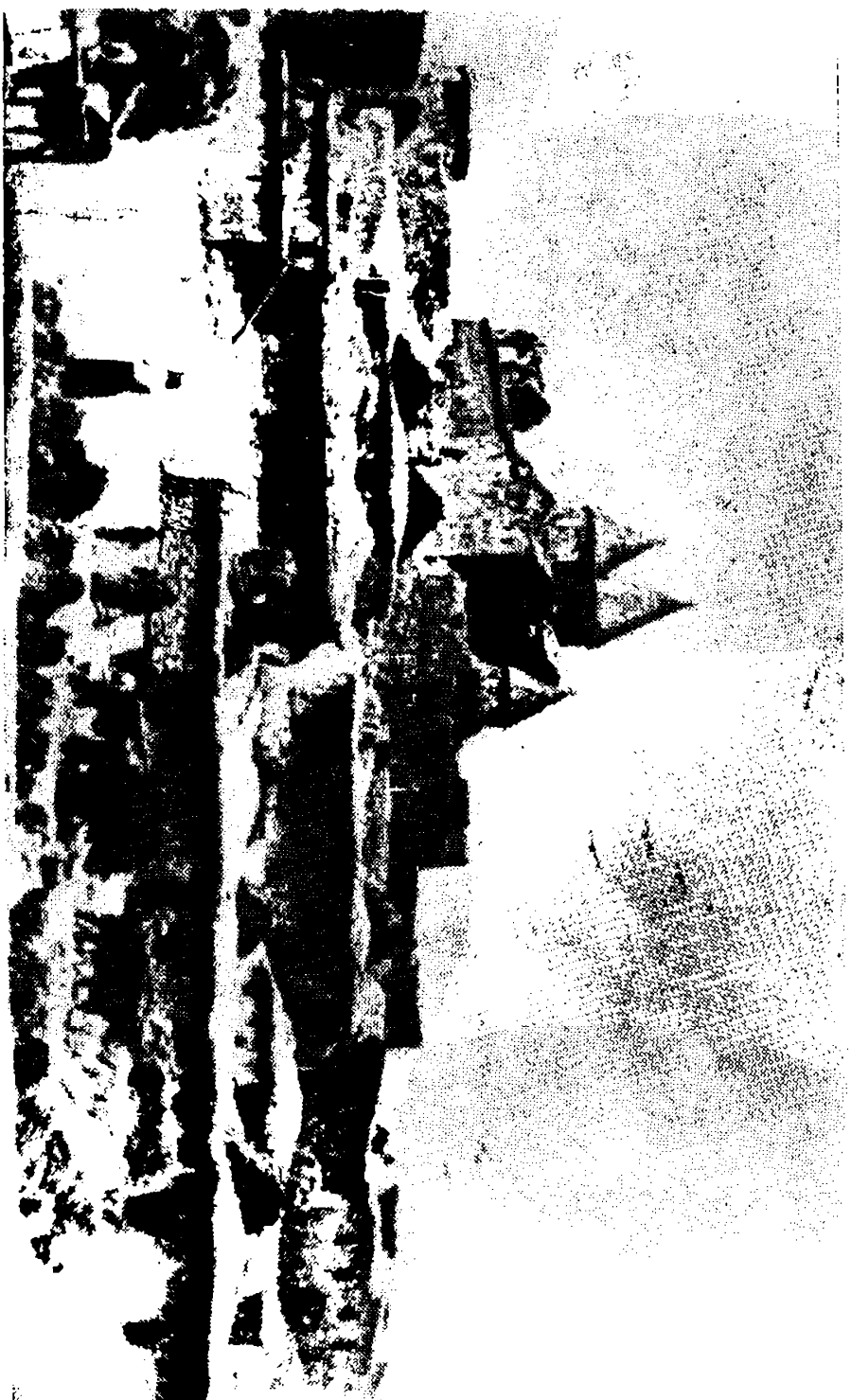
ويراستار

- * گریگور نارکاتسی
- * سوگنامهء نارکس
- * ترجمهء آزاد ماتیان
- * ویراستار : ۰۱ گرمانیک
- * ناشر : آ۰ ماتیان
- * ۲۰۰۰ دفتر
- * چاپ نخست
- * تیرماه ۱۳۶۶
- * ۲۵۶ صفحه، رقعی
- * چاپ نخستین



گریگور نارکاتسی

۹۵۱ - ۱۰۰۳ میلادی



کلیسای نارک در روستای همنام

گریگور نارکاتسی^(۱)

گریگور نارکاتسی از نامداران ادب ارمن بشمار می‌رود. وی بسال ۹۵۱ در روستای نارسرزمین رشتونیک^(۲) واقع در کناره جنوبی دریاچه وان دیده به جهان گشود و به علت گذران زندگی در وانک روستای نارک^(۳) بدین نام اشتهار یافت. پدرش اسقف خسرو آنزواتسی^(۴) یکی از شخصیت‌های دانشمند عصر خود بود که با انتقاد از جا تلیق بزرگ آنانیا موکاتسی^(۵) (۹۴۶ - ۹۶۵) بسال ۹۵۴ مورد غضب وی قرار گرفته به فرقه گرایبی متهم شد. نارکاتسی در سنین کودکی نزد عموی مادرش آنانیا نارکاتسی، در همان وانک نارک به تحصیل علم پرداخت. آنانیا همان شخصیتی است که مورخین لقب "فیلسوف بزرگ" به وی اتلاق نموده‌اند. گریگور نارکاتسی بعدها یکی از ارکان و اساتید مهم وانک مذکور گردید. زندگینامه مختصر او در نسخه خطی شماره ۱۵۶۸ در ماتنا داران مسروپ ماشتوتس^(۸) موجود است و آن قدیمیترین نسخه مربوط به نارکاتسی محسوب

1-Grigor Nārek'ātsi

2-Rəštunik

3-Nārek'

4-Xosrov Āndzevātsi

5-Mesrop Māstots

ميشود ، و روى كاغذ پوستى نگاشته شده است و متعلق به سال ۱۱۷۲ ميلادى ميباشد . ناركاتسى در زمان با زيل وكنستانتين امپراتوران بيزانس و سنكرسيم پادشاه آرزرونى ارمنستان و جاثليق و اهان مى زيسته است .

براى اينكه با شرايط سياسى ، اجتماعى و اقتصادى زمان و عصر ناركاتسى آشنا شده زندگانى وى را بيشتر و بهتر دريايم نظرى اجمالى بر رويداهاى مهم سده هاى دهم و يازدهم ميلادى مى افكنيم .

پس از پنج قرن كه از سقوط سلسله پادشاهى اشكانى ارمنستان مى گذشت در سده نهم حكومت باكراتونى و پس از آن پادشاهى هاى آرزرونى و چند حكمرانى ديگر در مناطق مختلف ارمنستان بوجود آمد . در طى اين پنج قرن كه دوران چيرگى پارسيان ، روميان و تازيان براى سرزمين محسوب مى گردد ضربات مهلكى بر پيكر اقتصادى ، سياسى و فرهنگى اين ديار وارد آمد . پس از تزلزل و سقوط حكومت خلفا دگرگونى هاى چشمگيرى ايجاد شد و با روى كار آمدن حكومتهاى فئودالى ياد شده نفوذ زمينداران در زندگى مردم بيش از هر زمانى افزونتر گرديد . ارمنستان پس از آشوت دوم (آهنين) پادشاه باكراتونى تا زمان تاخت و تازهاى بيزانس و سلجوقيان دوران آرامش نسبي پشت سر نهاد و اين آرامش زمينه اوجگيرى سريع مناسبات فئودالى ، گسترش و بناى شهرها ، رونق بازرگانى بين المللى از طريق راهها ارمنستان با كشورهاي ايران ، روسيه ، بين النهرين و غير را فراهم نمود . قابل توجه است كه در اين زمان در اثر جنگهاى بيزانس و تازيان راههاى جنوبى از فعاليت افتاده بودند .

شهر آنى با جمعيت صد هزار نفرى و " هزارويك كليساى " خود در زمان آشوت سوم (۹۵۳ - ۹۷۷) پايتخت كل ارمنستان گرديد . بدين ترتيب در كرانه هاى رود ارس هزار شهر و روستا ، در استان واسپوراگان ده شهر ، ۷۲ برج و بارو ، ۱۱۵ وانك و چهار هزار كليسا بنا گرديد .

كارگاههاى ارمنستان بافتنى هاى پشمى ، كتانى و ابريشمى ، پارچه ، پوشاك كبرند ، عمامه ، روپوش ، پرده ، قالى و غيره توليد مى كردند و به كشورهاي مختلف

صادر مینمودند .

این روند پیشرفت و رونق زندگی اقتصادی عوارضی نیز با خود به همراه آورد . از جمله مالیاتهای پولی رایج شده، اکثریت مردم به افراد نزولخوار بدهکار میشدند . فشار زمینداران بزرگ بر روستائیان هر چه بیشتر گردیده بود بطوریکه ماتوس اورهایتسی^(۱) مینوسد : از خانه دافتاک اسقف (سده ۱۱) شهر آرزن - ارض روم فعلی (۲۴۰۰ جفت گاو برای شخم بیرون میرفت . پس از لشکرکشی سلجوقیان چهل بارشتر گنجهای او غصب گردید . بنابراین با ایجاد شرایط جدید تاریخی ، نزولخواری ، دزدی ، ستمگری ، دوری جستن از صداقت و خداپرستی و بسیاری کج رویهای دیگر در نزد حکام غیر مذهبی و برخی روحانی نمایان توانمند شیوع و رواج یافته بود .

در همین زمان جنبش عظیم دهقانی وضد ستمگری تندراکیان در سده های ۹ - ۱۱ برهبری سمبات زارهاوانتسی^(۲) بر علیه فشارهای اجتماعی ناشی از سیستم فئودالیت در ارمنستان بوجود آمد .

در چنین شرایط تاریخی ، وانکها و کلیساها از بزرگترین مراکز تربیتی و علمی بشمار میرفتند و وانک نارك یکی از مهمترین آنها محسوب میگردد . بدین سان گریگور ناركاتسی ضمن عهده داری وظایف روحانی در این وانک به امور ادبی - فرهنگی همت گمارد . مشهور است که چه آنانیا و چه گریگور با مخالفت شدید در برابر تن پرستیها و جزم اندیشی برخی مراجع مورد غضب برخی رهبران کلیسا و حکمرانان زمان قرار گرفته به جنبش تندراکیان منتسب گردیدند و آنان با دسیسه چینی در صدد محاکمه و تبعید ناركاتسی برآمدند لیکن او به گونه ای معجزه انگیز از این توطئه ها جان سالم بدر برد و جزو قدیسن درآمد . گریگور ناركاتسی بسال ۱۰۰۳ میلادی دیده از جهان فرو بست . از او

1-Mātevos Urhāyetsi

2-Səmbāt Zārehāvāntsi

نوشته‌های بسیار بجا مانده است و هر آنچه که در تذکره‌های قدیمی یاد شده کلاً "باقی است". سرودها " و "سوگنامه نارک" مهمترین آثار وی بشمار می‌روند . سرودهای نارکاتسی مشتمل بر ۲۰ قطعه آوازی است که عموماً " محستوای مذهبی دارند و از نظر معنوی و شعری نمونه‌های درخشان دوران اولیه پیدایش رنسانس ادبی ارمنی هستند . نارکاتسی را شاید بتوان نخستین شاعر ارمنی دانست که در اختلاف با پدید آورندگان شاراگان (که سرودهای محض کلیسایی است) دنیای واقعی ، زندگی ، طبیعت و انسان را در اشعارش مطرح نمود و از حیطة سوژه‌های تکراری و سنتی با فراتر نهاد و قالب‌های شعری یکنواخت و متحد الشكل را کنار گذاشت .

زیبایی‌های طبیعت نارکاتسی را در شگفتی ژرفی فرو میبرد و او درخشش آفتاب ، زیبایی و طراوت گلها و گیاهان ، نوای دلنواز آبهای روان در بهاران را موضوع سرودهایش مینماید :

مژده به گلها و درختان

درختان پر شاخ و برگ

که میوه‌های خوشرنگد و خوشمزه‌شان

چشم را نوازش میدهد .

مژده به وردهای پربرگ

و سرسبز و خوشرایحه

گل‌های زیبا چون زر و درخشان چون آفتاب . .

و مژده به دسته‌گل‌های سرشار . . .

مژده به آبهای زمزمه‌گر
 آبهای خندان ، روان و غلتان
 آبهای خوش نوا و جاودانی •
 و مژده به آبهایی که
 با روانی خود
 ماسه‌های ریز را
 غلتانده به یکدیگر می پیوندند •

شیواترین سرود او در وصف طبیعت سرود " وارتاوار " بشما می‌رود:

ورد گوهر مانند
 از گیسوان ستیغ آفتاب
 میسوزد ،
 و در آن بالاها بر روی گیسوان
 گل دریائی درتموج بود •
 رنگ آن گل
 از میان دریای جهان گستر می‌جوشید •
 روی شاخه‌گلی کعبه گل‌رنگ و بو می‌بخشید
 میوه‌ای همچنان می‌درخشید

سوسن در دشت برق میزد و
چهره آفتاب پرتلانو بود...

با توجه به مضمون این سرود آنچه که آشکار است چیزی جز وصف طبیعت زیبا نمی باشد.

دیگر سرودها و نوشته‌های نارکاتسی عبارتند از: "پیدایش" "نغمه نارکاتسی" "نغمه حضرت مریم" "سرود شیرین"، "نغمه رستاخیز"، "رستاخیز"، "به مناسبت چهل روز آمدن مسیح"، "آمدن روح القدس"، "ظهور عیسی"، "به مناسبت رستاخیز لازار"، "سرودی در باب چلیپا"، "عروج"، "چهل روز"، "سرود کلیسا و معبد مقدس"، "کلیسا"، و "تاریخ صلیب آاران" (که به خواهش اسقف استپان موک نوشته است)، "تفسیر غزل غزلها (که بفرمان گورگن پادشاه آنزواتسیک نوشته است)، و "رساله‌ای در رد تندراکیان" و "گنجها".

نارکاتسی در مورد ارزشهای شعری دست به نوآوری زده است. وی ریشه‌های مردمی آداب و سنن گوناگون را بگونه‌ای بلیغ و زیبا بررسی نموده در اشعارش نمایان میسازد. دلیل این مدعا را میتوان در سرود "رستاخیز" جستجو نمود. در این جا شاعر به زیباترین وجه از گردونه‌های سخن میگوید که با شکوه هر چه تمامتر تزئین گردیده از کوه ماسیس (آارات) سرازیر میشود و یک لحظه در جناح راست کوه توقف نموده آنگاه با صدای گردونه چی گاوها بحرکت درمی آیند نارکاتسی با استادی تمام حالت ایستاده گردونه را با ظرافت شعری بیان کرده سپس با تشبیهات زیبا به توصیف اجزاء گردونه میپردازد. چیزی که به سرودهای نارکاتسی تازگی می بخشد، ماهیت مردمی عبارات و کلمات و تشبیهات زیبای شاعر بوده وی موفق میگردد قطعات فولکلوریک اصیلی از ارمنیان ارائه دهد.

نارکاتسی از واژه‌های مرکب ابداعی استفاده کرده در عین حال از کلمات فراموش شده و یا بیگانه بهره نمی جوید بلکه بزبان حال سخن میگوید. دیگر از

نوآوری‌های شعری نارکاتسی اهمیت دادن او به هنر موسیقایی شعر بزمی است و این در حالی است که در ادبیات اروپای غربی سالها پس از وی این امر مورد توجه قرار گرفته و اهمیت یافته است. بجز از نوآوری‌های یاد شده در زمینه علم عروض نیز وی مطالبی نووارد ادبیات ارمن نموده است.

مهمترین اثر نارکاتسی را میتوان منظومه "سوگنامه‌نارک" دانست که وی در واپسین سالهای زندگانی خود نگاشته است. این منظومه در فرهنگ ارمن به نارک اشتهار دارد و مشتمل بر ۹۵ فصل می‌باشد که عنوان تمام آنها غیر از سه فصل همانند است.

تصوف در سده دهم میلادی از برخی جهات فتودالیسم و سردمدار آن کلیسای قرون وسطایی را مورد انتقاد قرار میداد و نارکاتسی در شرایط سخت فشارهای قشر فتودال میزیست و چنانکه در بالا یاد شد دشمنان خارجی از جمله بیزانس و دسته‌های چپاولگر قبایل مهاجر عرصه را تنگ نموده بودند و نارکاتسی بعنوان شاعری ژرف اندیش نمی‌توانست از بطن جامعه تحت ستم بیرون بماند و لذا دست به انتقاد زد و این انتقاد و اعتراض در شرایط سده‌های میانه که نمی‌توانست بصورت صریح و مستقیم ابراز گردد در شکل سوگ صوفیانه متجلی شد. او شجاعانه غیوب معنوی قشرهای مختلف جامعه را از نظر القاب و مقام اجتماعی، رفتار و کردار، افکار و اندیشه‌ها و نیز تضادهای موجود آشکار می‌سازد و پادشاه را "اضافی" و قیصر را "روح شکن" می‌نامد.

نارکاتسی بعنوان یک عارف در این منظومه میکوشد تا با وجود خدایی همراه شده به جاودانگی بپیوندد و معتقد است که انسان خود باید اخلاقش را تذهیب و خویشتن را از گناهان و احساسات خبیث پاک سازد لیکن هر چه در این راه بیشتر تلاش میکند به این نتیجه میرسد که بار گناهانش سنگین‌تر شده است. گاهی نور امید برای پاکسازی روان او در قلبش روشن میشود لیکن این امیدواری دیری نمی‌پاید و به یاس مبدل میگردد. این دوگانگی شاعر گاه به چنان درجه‌ای میرسد که به احساسات مبهم تضادهای روحی تبدیل میگردد.

وی بر خلاف برخی از عارفان مشرق زمین که مدعی رهایی از این دوگانگی‌ها و تضادهای هستند، داعیه چنین رهایی را ندارد و تنها امید او به مهر و عطف و بخشندگی الهی است که به دیده رحمت به گناهانش بنگرد:

برمن رحمت آور ای خدای مهربان
 برمن رحمت آور ای خدای توانا
 و باز تمنا دارم تا برمن رحمت آوری
 ای همه نیکی .

وی در سوگنامه خود از عبارات کتاب مقدس استفاده کرده از زبور داود و رسولان و پیامبران نقل قول میکند، یکی از مشخصات بارز این منظومه این است که برای نخستین بار در ادبیات ارمنی احساسات درونی انسان مورد توجه قرار گرفته به آنها ارزش داده میشود. تا پیش از نارکاتسی اصولاً " سوز سرودها عبارت از وصف خداوند، عیسی مسیح و غیره بود لیکن وی در کنار آنها انسان را نیز با تمام ویژگی‌هایش مورد توجه قرار داد و این از نوآوری‌های شاعر بشمار میرود. او انسانی بی‌آلایش و مبرا از کلیه گناهان و زشتی‌ها تجسم میکند و بوسیله انتقاد و دشنام بخود که مخصوص صوفیان و عارفان است، میکوشد نواقص و معایب انسانی موجود در شرایط اجتماعی فئودالیسم سده‌های میانه را نمایان و آشکار سازد و سعی میکند ویژگی‌های یک انسان واقعی را یکایک برشمرد.

نارکاتسی در سوگنامه خود در توصیف اندیشه‌ها و احساسات خویش از شیوه بیان کاملاً " بلیغ و فصیح با دقت و استادی بسیار استفاده کرده است مقایسات و استعاراتی که نارکاتسی بکار میگیرد از نظر شعری بسیار بجا، صریح و منحصر بفرد می‌باشند. استفاده از استعارات، سخن گفتن در باره خویشتن به کمک کنایه‌ها اهمیت بسیار زیادی برای شاعر دارد.

از اینگونه مقایسه‌ها و استعارات در منظومه "سوغنامه نارک" بوفور یافت میشود. یکی از وجوه تمایز آنها این است که وقتی برای بیان حالت روحی نمونه‌ای از واقعیات عینی بکار میرود، با چنان جزئیاتی نمایانده میشود که میتواند خود بخود قطعه هنری مستقلی بشمار رود. برای نمونه قطعه مربوط به کشتی شکستگی را میتوان ذکر نمود. در اینجا نیز از فرهنگ فولکلوریک مردم بهره‌مند میگردد و در چند جا صریحا "اذعان میداد که از نمونه آوازه‌ها زنان ندبه‌گر و مرثیه خوان^۱ پیروی کرده است. این منظومه بر ادبیات ارمنی سده‌های میانه و عصر جدید تأثیر فراوانی گذاشته است و کمتر شاعر ارمنی میتوان یافت که از دریای بیکران نوآوری‌ها و فرهنگ شعری وی کسب فیض نکرده باشد.

با این تفصیل نارکاتسی که در سالهای جنبش عظیم دهقانی به کارهای ادبی پرداخته است هرگز از عرفان و تصوف و حیطه اندیشه‌های مسیحی پافراتر نهاد و وارد سیراندیشه‌های فرقه‌ای نگردید و حتی تحت فشار رهبران کلیسا علیه جنبش تندرکیان رساله‌ای نوشت.

متن گرابار^۲ "سوغنامه نارک" تاکنون ۶۰ بار چاپ شده است و مقام اول را از نظر تعداد چاپ کتابهای ارمنی بخود اختصاص میدهد. امروز پیش از ۲۰۰ نسخه خطی از آن در دست می‌باشد. این منظومه به زبانهای فرانسه، روسی، عربی، ایتالیایی، رومانی، انگلیسی و ترکی ترجمه شده و اکنون ترجمه فارسی آن ارائه میگردد.

نارکاتسی از چهره‌های سرشناس فرهنگ ارمنی و بنیانگذار رستاخیز ادبی

۱- اینان زنانی بوده‌اند که بر مزار مردگان به شیون وزاری و مرثیه خوانی می‌پرداختند.

۲- گرابار زبان ادبی سده‌های میانه بود و اکثر کتابهای آن اعصار - بدین زبان نوشته شده و اکنون بجای آن زبان آشخارابار بکار میرود که زبان نوشتاری و گفتاری عصر حاضر است.

ارمنیان بشمار می‌رود و سوگنامه او چنان جذابیت و گیرایی دارد که مطالب آن همواره طراوت و تازگی خود را حفظ نموده مسایل و مشکلات معنوی را که همواره گریبانگیر بشریت بوده است در طول اعصار مطرح کرده است و امروزه در جوامع گوناگون شعرا و نویسندگان از فلسفه‌ها و مکاتب مختلف از اندیشه‌های ژرف ناركاتسی الهام گرفته سوگنامه او را مورد توجه و تجزیه و تحلیل قرار می‌دهند.

۰۱ گرمانیک

خرداد ماه ۱۳۶۴